

۱۰ فرهنگ ادبیات و هنر

یادداشت

روی همین زمین راه می‌رفت

🔗نمی‌خواست در آسمان‌ها دنبالش بگردد، روی زمین بود و با آدم‌ها راه می‌رفت؛ خلاف خیلی‌ها. همین هم بود که حلقه دوستانش، هنرمند محیطی و دکترای فلسفه هنر ژاژه تباتبایی، مجسمه‌ساز در خانه خسرو سینایی باقی مانده که در همین ویدئو، هنرمندانی از طیف‌های گوناگون را می‌بینیم. در میان بزرگان سینما، موسیقی و هنرهای تجسمی بسیار قابل احترام بود. یادم هست فیلم «جزیره رنگین» را که می‌ساخت، برای موسیقی فیلم به لوریس چکناوریان زنگ زد و ایشان تلفنی گفت از هر موسیقی‌من که می‌خواهی استفاده کن. این، اتفاقی نیست که برای هر کسی بیفتد. دیگر ویژگی‌اش این بود که در همین سن و سال هم کمتر پیش می‌آمد دعوت هنردوستان، حتی هنردوستان شهرستانی را، برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی رد کند. همین اواخر به دعوت انجمنی کوچک به شهرستانی دورافتاده رفته بود. ایده‌اش این بود که به نهادهای مستقل از دولت برای بهبود امر آموزش هنر کمک کند. ماجرای ساخت فیلم جزیره رنگین به کارگردانی خسرو سینایی با اقتباسی آزاد از زندگی‌من هم به آشنایی من با گیزلوارکا سینایی، همسر ایشان برمی‌گردد. بیشترین سهم در معرفی هنر من به زنده‌یاد سینایی، از آن همسر ایشان بود. سال‌ها پیش که از اروپا به ایران برگشتم و دبیری همایشی را عهده‌دار شدم، همزمان شده بود با نمایش فیلم «کوچه پاییز» ایشان. فیلم را دیدم و البته پیش از اینها ایشان را می‌شناختم. در انجمن نقاشان ایشان را می‌دیدم. سال ۸۶، دومین سالی که به جزیره هرمز دعوت شدم، افتخار همسفری با خانواده سینایی نصیب شد. پرواز تاخیر داشت و همین تاخیر باعث شد بیشتر با هم حرف بزنیم. خانم سینایی به ایشان گفته بود من چگونه به اینجا و آنجای ایران و جهان می‌روم برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی هنر محیطی. بعدها هم همراه توران زندیه و غلامحسین نامی به جزیره آمدند. برایشان عجیب بود که چطور جزیره هرمز، این‌گونه با هنر متحول شده است. البته خسرو سینایی همیشه به جنوب علاقه‌مند بود و گیزلوارکا سینایی نیز به ویژه به فرهنگ هرمزگان گرایش داشت و این را در آثارش هم می‌توان رصد کرد. از اینجا ماجرای فیلم جزیره رنگین شکل گرفت. البته همان‌طور که عنوان شده، فیلم اقتباسی آزاد از زندگی من است. چیزی در حدود ۶ دقیقه با زندگی من همخوانی دارد و در باقی موارد، ترجیح فیلمساز این بوده که آدم‌های پیرامون من محصول تخیل او باشند. مثلاً نقش همسر دکتر [با بازی مهدی احمدی] را همسر من بازی کرد. من هشت ماه از سال را در جزیره زندگی می‌کنم. این چند ماه هم شیوع ویروس کرونا خانه‌نشین‌مان کرد تا نتوانم زنده‌یاد سینایی را بار دیگر از نزدیک ببینم.

🔗واپسین پروژه سینمایی به‌نمایش درآمده خسرو سینایی با عنوان جزیره رنگین، اقتباسی آزاد بود از زندگی احمد نادعلیان



«اورینگامی» به تورنتو می‌رود

فیلم کوتاه «اورینگامی» به کارگردانی مرجان هاشمی در اولین حضور بین‌المللی خود در جشنواره فیلم inside out تورنتو کانادا در بخش مسابقه نمایش داده می‌شود. این جشنواره از یکم تا ۱۱ اکتبر همزمان با ۱۰ تا ۲۰ مهر امسال در شهر تورنتو برگزار می‌شود. این فیلم کوتاه ۱۵ دقیقه‌ای درباره رابطه دوشاگرد و معلم ورزش مدرسه‌شان است. ماهور میرزائاد، گلزار حذفی و هانیه خسروانی از جمله بازیگران این فیلم هستند. / مهر



بوسیدن روی خدادر پاکستان

«روی ماه خداوند را ببوس» نوشته مصطفی مستور به زبان اردو ترجمه و در پاکستان منتشر می‌شود و ماجرا به این ترتیب است که آژانس ادبی دایره مینا به نمایندگی از مصطفی مستور، امتیاز انتشار ترجمه اردوی کتاب را به انتشارات مهر در پاکستان واگذار کرد. این کتاب سال ۷۹ توسط نشر مرکز منتشر شد و تاکنون به زبان‌های ترکی، روسی، اندونزیایی، بوسنیایی، عربی، بنگالی و آذربایجانی ترجمه و منتشر شده و برای نخستین بار به بازار مناطق اردو زبان نیز راه پیدا می‌کند. / ایسنا

خسرو سینایی کارگردان با سابقه سینمای ایران در سن ۸۰ سالگی بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت

در سوگ سینایی



ماهیگیری سواد ازدواج کند. سینایی در آثار مستندش هم تلاش می‌کند دو امر مهم را حفظ کند. یکی ایجاد خط داستانی برای همراهی بیشتر مخاطب و دیگری تاثیرگذاری اجتماعی. از این رو میان آثارش کارهایی هم با موضوع آموزش و پرورش و دانش‌آموزان ساخته شده تا به‌نوعی بتواند گام‌هایی را برای تغییر نگاه سیستم آموزشی و اصلاح آن رقم بزند.

از لهستان تا انقلاب و جنگ ایران

«يك سرزمين، يك روز، يك راه» او به کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر ایران می‌رود، «آن سوی میاهو» درباره نوجوانان ناشنوا

داستان‌های جامعه

سینایی را جامعه با فیلم‌های پر سر و صدائی شناسد؛ فیلم‌هایی پر از چهره و عیش فروش بیشتر. اومسیر خودش را رفت و در همین مثنی خاص خودهم آثار مستند و داستانی خلق کرد؛ آثاری که از میان آنها بیشتر با «عروس آتش» آشنایی داریم. فیلمی که سال ۱۳۷۸ ساخته شد و در آن سینایی همراه با حمید فرخ‌زاد فیلم‌نامه‌اش را نوشته بودند. يك فیلم تاثیرگذار از آثار مهم سینمای ایران در دهه۲۰ است و تلاش می‌کند سنت‌های غلط جامعه را نقد کند. در این فیلم دختری از عشایر جنوب ایران که دانشجوی رشته پزشکی است، به استاد جوانش دل می‌بندد، اما آیین‌های قبیله‌اش می‌گوید باید با پسرعمویش يك

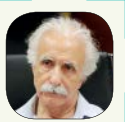
🔗خسرو سینایی هم به قطار رفتگان امسال پیوست؛ عزیزی که یکی یکی با دنیای ما خدا حافظی می‌کنند و در شیوع يك اپیدمی جهانی به نام کووید-۱۹ جان خود را از دست می‌دهند. آنها که سوار قطار می‌شوند همگی خویش و یار و رفیقی دارند که از رفتنشان سخت غمگین می‌شوند؛ اما مثل همیشه رفتن هنرمندان به‌واسطه فعالیت‌های خلاقه‌شان با زتاب و غم بیشتری دارد. دیروز که با این کارگردان سینمای ایران هم به علت ابتلا به کرونا خدا حافظی کردیم، احتمالاً سینماگران و اهالی رسانه به آخرین فیلمی فکر کردند که سینایی قصد ساخت آن را داشت و هرگز به سرانجام نرسید؛ «قطار زمستانی» او برای همیشه متوقف شد و خودش با يك قطار تابستانی با این جهان خدا حافظی کرد. همان‌طور که زندگی را در يك روز زمستانی یعنی دی ۱۳۹۹ آغاز کرده بود، در گرمای داغ مرداد و ۸۰ سالگی به پایان برد.

گروه

فرهنگ و هنر

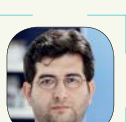
بالبخت برای اندوه جهان

🔗زنده‌یاد خسرو سینایی را از دهه ۴۰ می‌شناختم. جوانی بود خوش قیافه، خوش تیپ و مغرور. فیلم اول او را دیده بودم و بعدها بسیار حسرت خوردم که چقدر با استعداد بوده است. در آن فیلم دانشجویی به عنوان فیلم اولش، من او را هم‌تراز با سینماگران موج نوی فرانسه چون آکن زنه و شانتال آکرمن دیدم. يك روز به او گفتم چرا آن نگاه و سبک را ادامه ندادی؟ گفت چه کسی می‌فهمید؟ این رنجی بزرگ است. ما سال‌ها مقاومت می‌کنیم و سرانجام نشاط جوانی‌مان را از دست می‌دهیم و اینها همه جمع می‌شود و هر روز توان خودنگهداشت‌مان کاهش می‌یابد. دوستی مادر همه این سال‌ها بافت و خیزهایی همراه بود، البته نه در معنای اختلاف بلکه به این دلیل که گاه ممکن بود چند سالی همدیگر را نبینیم، اما این همیشه همراه بود با محبت و احترام و فهمی کامل از یکدیگر. در سال‌های اخیر، شاید این پیری بود که ما را به همدیگر نزدیک کرده بود. ویژگی سینایی، کشف چهره‌ها و آثاری بود برای کشف خود. همیشه در جست‌وجوی خود بود. از موسیقی و نقاشی شناختی کامل داشت و به تاریخ علاقه‌مند بود و البته تاریخ، علاقه‌مندی مشترک ما بود هر چند بدون تفاهم کامل. آه از این بودن‌ها، آشنایی‌ها… حالا او نیست، اما خلا خسرو سینایی نه فقط اکنون با مرگش، بلکه از قبل ترها اتفاق افتاد. بسیاری طرح در ذهن و بر کاغذ داشت، ارائه می‌کرد و رد می‌شدند. خلاّ، تنها به این معنا نیست که يك نفر دیگر نیست، خلاّ، خلاّلقیت است. اکنون اشتیاق به خلاّقت از بین رفته است، در حالی که همیشه و همواره در سینایی حاضر بود. ما خیلی پیش از امروز که او را از دست داده‌ایم، خلاّان را حس می‌کردیم. با این حال و همه ناامیتمی‌هایی که می‌دید، آدمی نبود که اندوهش را ابراز کند. همیشه با لبخند با جهان مواجه می‌شد، اما ما می‌دانستیم ماهیت این لبخند و پشت این شادی چیست و چه اندوهی قرار دارد. 🔗



محمدرضا اسلانی

فیلمساز و شاعرو پژوهشگر هنر



کیوان امجدیان

روزنامه‌نگار

سینمای ثروتمند فقیر

🔗پدرم می‌گوید خیلی‌ها هستند که بی‌اندازه پول و ثروت دارند و کلی مال و منال، اما همیشه فقیرند. می‌دانی چرا؟ چون هیچ وقت از ثروتی که دارند استفاده نمی‌کنند. انگار که آن همه ثروت را ندارند. این موضوع هم چیزی نیست که فقط درباره آدم‌ها و فقیر و غنی بودن آنها صدق کند. ازقسا درباره همه چیز می‌تواند مصداق داشته باشد؛ صنعت، هنر، رسانه و حتی سینما، مثل سینمای ما که با وجود این همه استاد خوشفکر و هنرمند که گوه‌رهای هنر این سرزمین هستند، همیشه فقیر است. سینمایی که انگار نمی‌تواند از داشته‌هایش استفاده کند. سینمایی که مدام درگیر رفاقت و رابطه و تیم و باند و گروه است تا هنر و خلق اثر هنری.

سینمای ما گوهر کم ندارد؛ گوهرهایی که فقط نوشتن نامشان چند جلد کتاب می‌شود، از کارگردان و طراح صحنه و جلوه‌های ویژه بگیرد تا بازیگر و… و یکی از گوهرهای درخشان این سینما استاد خسرو سینایی بود که روز گذشته او را از دست دادیم. خسرو سینایی، کارگردان مولف سینمای ایران که بسیاری از کشورها آرزو داشتند یکی مثل او را داشته باشند تا بتوانند در سینمای دنیا آقایی کنند. سینایی که سینمای ما او را داشت و نتوانست کاری کند که او در مسیر توانایی‌هایش حرکت کند. سینایی در یکی از مصاحبه‌های اخیرش می‌گوید، ناراحت است از این‌که چرا نتوانسته به جای ساختن چیزهایی که دوست دارد و می‌داند کار اوست، به اجبار ناچار شده به سراغ انجام کارها با ساخت آثاری برود که شاید کمترین ارتباط را با او داشته‌اند. خسرو سینایی، یکی از کارگردان‌های بزرگ این کشور است که سال ۱۳۵۸ فیلم زنده باد را که از اولین فیلم‌های مربوط به انقلاب است، کارگردانی کرد و پس از آن، هر بار که فیلمی ساخت فیلمش یکی از بهترین فیلم‌های آن سال بود از هیولای درون تا یار در خانه و عروس آتش. سینایی با این‌که در زمان حیاتش کمترین حاشیه‌ها را داشت و همه جا تلاشش را می‌کرده ر آنچه او می‌داند به هنرجویان آموزش دهد، اما همچنان اسیر بخل‌ها و حسادت‌ها بود؛ حسادت‌هایی که انگار دست از سر سینمای ما بر نمی‌دارد، دست از سر سینمایی که با وجود این همه ثروت، فقیر است. 🔗

خواندنی

سینمایی که حریف کرونا نشد

یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین سینماهای فرانسه و اروپا به دلیل استقبال کم مخاطبان در دوران شیوع ویروس کرونا به زودی تعطیل می‌شود. مدیران سینماگران رکس در مرکز پاریس که حتی در زمان وقوع جنگ جهانی دوم نیز دیرهای خود را به روی مخاطبان نبسته بودند، اعلام کردند به سبب کاهش حضور مخاطبان در نتیجه شیوع ویروس کرونا از سوم آگوست تعطیل است. / ایسنا

فیلم [راش]

آرادم‌ان و سیدمحمد طباطبایی

دو کتاب «هفت‌نامه به مرتضی کیوان» و «جسارت نباشد اگر…» نوشته سیدمحمد طباطبایی توسط انتشارات آزادمان منتشر شدند. سیدمحمد طباطبایی در حال حاضر مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت است و طی سال‌های گذشته به‌عنوان مدیر روابط عمومی سازمان‌ها و نهادهای مختلفی از جمله معاون فرهنگی وزارت ارشاد، خانه کتاب و انتشارات سوره مهر فعالیت داشته است. کتاب «هفت‌نامه به مرتضی کیوان» با دغدغه‌های امروز و این دهه‌های نویسنده، تالیف شده و این دغدغه‌ها را در قالب نامه‌هایی به مرتضی کیوان، دربر می‌گیرد. این‌نامه‌ها متن‌هایی عاطفی و اندیشه‌ورزانه هستند که با مخاطب قرار دادن یکی از چهره‌های ویژه ادبیات معاصر که به‌دلیل اعدام سیاسی به تبلیور لازم نرسید، نوشته شده‌اند. مرتضی کیوان، شاعر و منتقد ادبی بود که در اوج جوانی در دهه ۳۰ شمسی توسط پهلوی دوم اعدام نظامی شد. همچنین او همسر پوراندخت سلطانی، نویسنده، مترجم، کتابدار، استاد دانشگاه و مادر کتابداری نوین ایران بود. عناوین کتاب هفت‌نامه به کیوان شامل این موارد است: از شب اعدام، ادبیات، کافه، زندان قصر، شما نیست نمی‌شوی، از مهربانی، از شما و از پوری. در پایان کتاب نیز شعرهایی از شاعرانی چون هوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان‌ثالث، احمد شاملو و سیاوش کسریای در رأی مرتضی کیوان آمده است. کتاب «جسارت نباشد اگر…» هم دفتری از شعرهای طباطبایی را در بر می‌گیرد که در قالب‌های غزل و آزاد سروده شده‌اند. هر دو کتاب یاد شده، با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۵ هزار تومان، به چاپ رسیده‌اند. / جام‌چمدیلی



عدد دوم

الف کاف شین در عمارت روبه‌رو

قرار است از امروز یعنی ۱۲ مرداد نمایش «الف کاف شین» به نویسندگی و کارگردانی روزبه حسینی در عمارت روبه‌رو اجرا شود. اجرای این نمایش اسفند سال گذشته با شیوع ویروس کرونا بعد از چند روز متوقف شد، اما ار امروز و همزمان با رونمایی از پوستر نمایش هر شب ساعت ۲۱ در عمارت روبه‌رو اجرا می‌شود. سیما شکرى، نازنین زنگنه و زهرا صحبتی، بازیگران این نمایش هستند. /مهر

عکس [قاب]

هر روز کارم با يك نبرد سخت روبه‌رو بودم

درگذشت فیلمساز مستقل انگلیسی

دنیای سینما یکی دیگر از چهره‌های بزرگ و بانفوذ خود را از دست داد. در این روزهای کرونایی و بعد از مرگ چند هنرمند سرشناس طی ده روز گذشته، این بار نوبت آکن پارکر بود که تیت‌ر اول خبرهای هنری شود. فیلمساز مستقل و متعهد انگلیسی‌تبار سینما، هنگام مرگ ۷۶ سال سن داشت. منتقدان سینمایی از مرگ فیلمساز به‌عنوان ضایعه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر برای سینمای مستقل دنیا یاد کردند. او روز جمعه در شهر لندن و به‌دنبال يك بیماری سخت و طولانی درگذشت. خبر درگذشت پارکر را انستیتو فیلم بریتانیا اعلام کرد. خبر مرگ فیلمساز در حالی جامعه هنری را شوکه کرد که او در سال ۲۰۱۵ اعلام کناره‌گیری از فعالیت‌های فیلمسازی کرده بود. با این حال، زنده بودن فیلمساز و سخنرانی در محافل هنری چیزی بود که دوستدارانش را راضی نگه می‌داشت.

کیکاوس زاری

سینمای جهان

پارکر کار هنری را با حضور در فیلم‌های کوتاه تبلیغاتی شروع کرد. او بعد از سه تعداد زیادی فیلم تبلیغاتی، رسماً وارد حرفه فیلمسازی شد و با فیلم‌هایی جنبشی در سینمای دهه ۲۰ میلادی به راه انداخت. نکته جالب در رابطه با پارکر، ت فیلم‌هایی بود که در گونه‌های مختلف سینمایی می‌ساخت. او يك بار گفت: «دوم دارم هر بار کار متفاوتی انجام دهم و راه تازه‌ای را طی کنم. این کمک می‌کند تا کارها تازگی داشته باشند و تماشاگران با چیزهای جدیدی روبه‌رو شوند.» همین فعالیت‌ها بود که باعث شد تا انستیتو فیلم بریتانیا در سال ۲۰۱۳ جایزه مخصوص خود را اهدا کند. اما پارکر که دو بار نامزد دریافت جایزه اسکار شد، در کارنامه‌اش ۱۹ ج بقتا (اسکار انگلیسی)، ۱۰ جایزه گلدن گلوب و ۱۰ جایزه اسکار (در رشته‌هایی غ بهترین کارگردانی) دارد. او این جوایز را برای فیلم‌هایی چون باکزی مالون، تعهد قطار سریع‌السیر نیمه شب، شهرت، قلب انجل، اوبتا، خاکستر آنجلا و می‌سی‌سی‌سی می‌سوزد دریافت کرد. پارکر در طول سال‌های فعالیت هنری‌اش طی پنج دهه، ۱۴ فیلم سینمایی ساخت. او اعتقاد به پرکاری نداشت و می‌گفت فیلم‌هایش حرفی برای گفتن داشته باشند. فیلم‌نامه‌ش شش تای این فیلم‌ها را خودش به تنه